

ماگاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۵

کریسمس مبارک، جرونیمو!



نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز و بلاسکو تاباسکو

مترجم: فریبا چاوشی



مثل گوله پنیِر رنده شده ...

روز قبل از **کریسمس** بود.

آن روز صبح، ساعت با صدای زنگ تیز و بلندی بیدارم کرد!
خرناس کشیدم. از اینکه صبح زود بیدار شوم، متنفرم! به خصوص
وقتی هوا سرد است. از پنجره بیرون را نگاه کردم و آن موقع
بود که دیدمشان. دانه‌های برف! برف‌دانه‌های کوچولو، نرم و

سفید، درست مثل **گوله پنیِر رنده شده**.

خوش‌حال پنجه‌هایم

را کوبیدم به هم. من

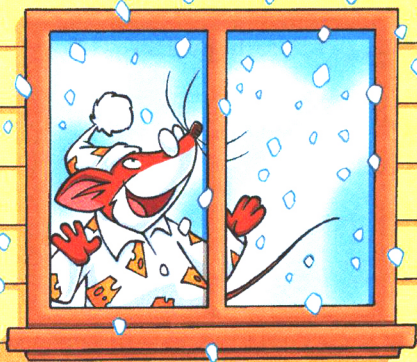
عاشق **برفم**!

دویدم طرف تلفن و

زنگ زدم به بنجامین.

برادرزاده‌ی تودل‌برویم

را می‌گویم.





مثل گوله پنیر رنده شده...

به بنجامین گفتم: «من باید صبح سر کارم باشم. ولی بعد از ظهر با هم می‌ریم پارک. می‌ریم **موش برفی** درست کنیم.»
بهش گفتم یک عالمه لباس گرم بپوشد. هوا سرد بود. و البته خودم هم حسابی خودم را پوشاندم.
این‌ها لباس‌هایی است که پوشیدم:



۱. یک زیرپیراهنی گرم
و یک زیرشلواری بلند
گرم



۲. دو پیراهن یقه‌اسکی و سه
ژاکت کلفت خزرگربه‌ای



۳. یک شلوار اسکی



مثل گوله پنیر رنده شده...



۴. یک کاپشن بادگیر با
آستر اضافی



۵. یک شال گردن
پشمی زرد و بلند



۶. یک گوش‌پوش و
کلاهی هماهنگ با آن



۷. یک جفت دستکش
ضدآب لبه‌پشمی



۸. ده جفت جوراب پشمی بلند و
یک جفت چکمه‌ی مخصوص برف

فکر کنم فهمیده باشید که از سرما خوشم نمی‌آید. با پوشیدن آن لباس‌ها، گرمای دلپذیری را احساس می‌کردم. راستش یک خرده هم زیادی گرم شده بود.